



مجموعه قدیمی و هویتی تشکری روبه ویرانی است

خاک در دهان آب انبار ۵۰ ساله!

فاطمه شوشتری - وضع آب انبار تشکری را در یک کلمه خلاصه می کنند: «بحران». همان بحرانی که سال هاست گریبان گیر آثار تاریخی و هویتی مشهد شده و حال به سراغ این آب انبار ۵۰ ساله آمده است؛ بنایی که عمر آجرهایش به دوران قاجار بر می گردد. در واقع در گیرودار توسعه نامتوازن شهر، در کنار هر آنچه که قربانی این ثروت اندوزی در ساخت وسازها شده؛ تعداد زیادی از آثار تاریخی هم زیر تیغ همین توسعه رفته و نابود شده اند. تا جایی که اگر امروز نگاهی به آثار تاریخی و قدیمی مشهد بیندازیم تعداد اندکی از این آثار باقی مانده؛ همان هایی که با وضع نابسامان رها شده اند. از خانه ظریف گرفته تا توکلی زاده، خان منش، جواهری، وهاب زاده و... آب انبار تشکری در آغوش خراسانی ۱۲ هم از جمله همین بخت برگشته هاست. بنایی که تا چهار سال قبل سر شیر برنجی اش، به دست مجاوران و زائران روزی چند بار باز و بسته می شد. آب انباری که بیش از ۱۵ دهه قبل، تشکری از ملاکان و خیران مشهدی آن را در حیطة حاج کرب علی ساخت تا آب ساکنان این محدوده تأمین شود. حتی به تقلید از سبک ساخت وسازهای قدیم کنار این آب انبار تبدیل به مسجدی کوچک شد با نام علی (ع). هم زمان با وله کشی در مشهد؛ این آب انبار بلا استفاده شد. اما با وجود این درش بسته نشد؛ تا اینکه حدود ۵ دهه قبل برای جلوگیری از تجمع معتادان و بی خانمان ها توسط یکی از اهالی، پله های آب انبار دیوار می شود. حال دهان این آب انبار با ریختن تیرهای چوبی سقف بسته شده، آتش خشکیده و عن قربی است که سازه تاریخی آن، همان که پشت دیوار پله ها مدفون است، ویران شود و نام آب انبار تشکری به تاریخ بپیوندد. حال شهر آرا محله در این روزها که خشت به خشت این آب انبار قاجاری نفس های آخرش را می کشد، به سراغ این بنای تاریخی در حال تخریب کوچه آیت... خامنه ای رفته و پای گفت و گو با کسی ننشسته است که خودش روزگاری پله های آب انبار تشکری را دیوار کرد.

آب انبار ۸ پله ای

«حاج محمد» وقتی موهایش سیاه بود، چشم هایش آب مروارید نداشت و پادرد اسیرش نکرده بود، صدای آب را بارها از ته آب انبار تشکری شنیده بود. چند ده سال قبل تر از او هم پدر و مادرش مثل سایر اهالی این صدا را شنیده بودند. آخرین بار هم خودش بود که پس از شنیدن صدای شرشر آب، پادر حوضچه آب انبار گذاشت، شیر آب را بست و سفت کرد و آخرین نفر از پله ها بالا آمد. حاج محمد اسماعیل زاده با همین جملات است که به آب انبار تشکری وصل می شود. از هشت دهه همسایگی با این آب انبار می گوید و به عنوان آخرین کسی که پا در آب انبار گذاشته تعریف می کند: سال ۱۳۰۹ درست دو کوچه پایین تر از آب انبار به دنیا آمدم. آن زمان به این کوچه حیطة حاج کرب علی (کربلا علی) می گفتند؛ از دهه ۱۳۳۰ نام اشکان گرفت و با پیروزی انقلاب اسلامی هم نام آیت... خامنه ای رویش نشست.

به واسطه کارم؛ حلبی سازی، هر روز به این کوچه رفت و آمد داشتیم. وقتی هم آب لازم می شدم، سری به آب انبار تشکری می زدم. اما خودم هیچ وقت مرحوم تشکری را ندیدم و فقط شنیدم که این بنا یعنی آب انبار و چند در بند مغازه و مسجد از املاک تشکری است. گویا مرحوم تشکری در روزهایی که از آب لوله کشی خبری نبود، خشت آغازین این آب انبار را گذاشته و آن را وقف مردم کرده تا هر کس به اندازه نیازش بدون پرداخت پول آب ببرد. کل مجموعه اش هم حدود ۱۰۰ متر آجری بود که مثل بناهای قدیم، میان آجرها بندکاری شده بود. دو طبقه بود و ساختش به دوران قاجار بر می گشت.

آب انبار درست زیر زمین مسجد قرار داشت. سقفش گنبدی شیب دار بود که با هشت پله به

حوضچه آب وصل می شد. حوضچه هم مربع کوچک آجری بود با یک شیر آب. سر شیر آب از آن برنجی های بزرگ قدیمی بود. البته به جز این موارد، فضای اندکی هم برای ایستادن در صف آب وجود داشت. فضایی که کفش با آجر پوشیده شده بود و با پله ها یک جنس بود.

انباری با مخزن بزرگ یخ و توتوها

حاج محمد ادامه می دهد: آن زمان بیشتر آب انبارها دست کم ۲۰ پله داشتند که در برخی از آن ها به ۴۰ تا هم می رسید. آن هم به این خاطر که در زمستان های استخوان سوز آب یخ نزنند. اما مخزن آب انبار تشکری با همان هشت پله هم هیچ وقت آبش در زمستان یخ نزد. این مخزن درست پشت حوضچه قرار داشت و با یک لوله به شیر آب وصل می شد و همیشه داخل آن را با یخ پر می کردند. این یخ ها هم حاصل یخ زدن آب باران و چشمه های جاری در جوی های اطراف بود یا یخ یخبندی های شهر. البته طوری طراحی شده بود که آب باران هم قبل از یخ بستن به داخل آن نفوذ می کرد. به خاطر همین ماندگاری آب و وجود یخ هایی که مدت ها در یخبندی و جوی ها می ماند و به مخزن منتقل می شد، آب آب انبار جز داشتن برگ و شاخه درختان، پر از کرم بود. «توتو» یکی از این کرم ها بود؛ خاکشیری و قرمز رنگ. به خاطر وجود همین آشغال ها بود که محل خروجی آب از شیر آب انبار توری بسته بودند.

محل وضو

اسماعیل زاده هنوز هم در مغازه حلبی سازی خودش، درست روبه روی آب انبار تشکری روزها را شب می کند. مغازه ای که هر روز با بلند شدن

صدای ا... اکبر مسجد محل تعطیل می شود؛ ۵۰-۴۰ سال قبل، یعنی زمانی که هنوز مسجد «علی (ع)» بالای آب انبار خراب نشده بود؛ قبل از بلند شدن صدای اذان خادم، در راسته این خیابان، حجره ها بسته می شد. کاسب ها پله آب انبار تشکری را پایین می رفتند، وضو می گرفتند و خودشان را به نماز جماعت مسجد می رساندند اما این روزها اوضاع فرق کرده است. البته مسجد «علی (ع)» هم قبل از انقلاب با سال های ابتدایی بعد از آن بود که خراب شد.

محل مراجعه ۸۰ خانوار حیطة در روز

«اهالی حیطة حاج کرب علی از چند آب انبار آب خانه هایشان را تأمین می کردند». حاج محمد با گفتن این جمله ادامه می دهد: کوچه اشکان سه آب انبار داشت. یکی در مجاورت مسجد ابودر، دیگری درست وسط این کوچه و نزدیک منزل نوریان و سومی هم مردم از آب آب انبارهایی استفاده می کردند که نزدیک خانه هایشان بود. از این آب انبار هم روزی حدود ۸۰ خانوار بهره می بردند. البته سقاها هم در کوچه فعال بودند که آب را از این آب انبار برای پولدارهای محل می بردند. جز این خانواده ها، افراد دیگری هم بودند که با داشتن چاه در حیاط خانه، اصلا به آب انبار مراجعه نمی کردند.

شب ها کسی به آب انبار نمی رفت

حاج محمد روایت جالبی هم از استفاده آب انبارها فقط در روز دارد و می گوید: خبری